

فضای جنسیتی و شهر

در گفتگو با ناصر فکوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران
و مدیر موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ



شهرهای ما مرد سالار و زن ستیزند

برابر هويت تفكيك شده جنسیتی خود دست به اعتراض نمادين در شهر می‌زنند یا اینهمانی می‌کنند؟

این امر كاملا در شهرهای ما، چه در فضاهای عمومی و چه در فضاهای خصوصی مشهود است. شیوه اعتراض و سازگار آن عموماً تخریب و یا بهتر بگوییم ایجاد «دگرديسی» در اشكال فیزیکی تفكيك است. مثلاً اگر در يك اداره زنان را در يك دفتر جمعی و مردان را در يك دفتر جمعی دیگر جای دهیم، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که رفت و آمدهای بی‌دلیل میان این دو دفتر یا تبادلات غیر فیزیکی مثلاً از طریق تلفن، اینترنت و غیره میان آنها به صورت غیر ضروری افزایش یابد. به جز اینکه با این کار ما جامعه را نیز دچار ضربه می‌کنیم. چون وقتی پای صحبت طرفداران اخلاق اجتماعی می‌نشینیم از آنها می‌شنویم که بهترین جامعه برای ما جامعه‌ای است که در آن مردان و زنان در سنين نه چندان بالا با یکدیگر ازدواج و تشکیل خانواده دهند. بسیار خوب، اما پرسش این است که وقتی در جامعه خود تقریباً همه فضاهای سال می‌را که زنان و مردان می‌توانند با یکدیگر وارد تعامل شوند، از بین ببریم کجا باید با یکدیگر آشنا شده و تصمیم درست را بگیرند؟ شاید گفته شود نیازی به دیدار نیست و خانواده‌ها، تصمیم می‌گیرند. باز هم در اینجا پرسش این است که بنابراین تفاوت امروز با صد سال پیش در چیست؟ در آن زمان خانواده‌ها برای ازدواج تصمیم می‌گرفتند و بهر حال خانواده هم می‌توانست بعد از تشکیل خودش ریشه بگیرد و بسیار هم خوشبخت باشد، اما آیا واقعا چنین چیزی امروز ممکن است. آمار هولناک طلاق و زندگي‌های درهم شکسته، دستکم باید به ما بفهماند که این‌ها را باید حاصل اندیشه‌های جزم‌گرایی دانست که فضاهای تعامل سالم را از بین برده و برعکس سبب ایجاد و رشد فضاهای غیر سالم و زیر زمینی و خارج از کنترل اجتماعی شده‌اند و یا بازگشت به روند پیشین در تامل جنسیتی و البته با تمام بی‌آمدهای مصیبت بار آن در زندگی مدرن ♦

ناچارند در شهرهای بزرگ برای حضور در جامعه شهری، درون حباب‌های محافظت‌کننده‌ای مثل «خودرو» فروروند و یا از روابط گروهی (افراد همراهی‌کننده) استفاده کنند تا در شهر پذیرفته شوند، زیرا حضور «تنها» ی آنها در شهر ممکن است با مشکل و مخاطره همراه باشد. این معنای شهر جنسیت یافته در معنای منفی آن است که با هویت‌سازی از جمله هویت‌سازی جنسیتی در فضا-زمان‌های شهری بخشی متفاوت است و موضوع تبعیض را شامل می‌شود. البته در قالب شهر زن‌ستیز، کودک‌ستیز، اقلیت ستیز و... نیز می‌توان موضوع را تعریف کرد.

*** فضای جنسیتی تفكيك شده چگونه می‌تواند بر نوع هویت شهری در فضای عمومی موثر افتد؟**
فضاهای تفكيك در اصل یکی از سازوکارهای محافظت برای افزایش مشارکت فرض شده‌اند. ممکن است تا اندازه‌ای هم به این صورت عمل کنند. ما این امر را به خصوص در شهرهای باستانی داشته‌ایم. در شهرهای مدرن نیز فضاهای تفكيك شده شهری هنوز در همه فرهنگ‌ها وجود دارند. اما تفكيك فضایی راه حلی اساسی، برای دربر گرفتن گروه‌ها و هویت‌ها نیست زیرا فرض را بر آن می‌گذارند که می‌توان با یک مانع یا یک عامل انگیزش فیزیکی رفتار و کنش و ذهنیت افراد را به صورت اساسی تغییر داد. این یک اندیشه باستانی است که در دوران باستانی نیز موثر بوده است. اما در شرایط مدرن چنین چیزی نه تنها ممکن نیست، بلکه خود عاملی است در تشدید فساد و آسیب‌زایی در همه فضاهای تفكيك فضایی جنسیتی‌ها، همچون تفكيك فضایی سایر گروه‌های هم‌تراز، مثلاً کودکان باهوش از کودکان کم‌هوش در مدارس، و غیره سال‌های سال است در نظام‌های پیشرفته شهری خذف شده‌اند، زیرا زبانی که ایجاد می‌کنند به مراتب بیشتر از سودی است که به بهانه «محافظت» می‌رسانند.

*** در پایان بفرمایید که در جامعه ی شهری ما، کنشگران اجتماعی در فضای عمومی چگونه در**

از هویت‌ها می‌رسیم که مدیریت آنها نیز بسیار مشکل است. بخشی از مشکلات شهرهای مدرن به دلیل همین عدم توانایی حوزه سیاسی به مدیریت این تفاوت‌ها و شباهت‌ها است.

*** نقش فضاهای شهری با هویت در شهر چیست؟**
شهر جدید بنا بر تعریف، در خود تعداد بی‌شماری فضا-زمان ایجاد می‌کند که حال تقسیم کارهای اقتصادی، اجتماعی سیاسی و هویتی هستند. این فضاها که ترجیحاً باید از آنها با اصطلاح جدیدتر فضا-زمان صحبت کنیم، نیاز به ایجاد روابط پیچیده با هویت‌های شهری دارند. اگر بتوان به موقعیت‌های مناسب و هماهنگی میان این فضا-زمان‌ها و این هویت‌ها برسیم با آرامش و هماهنگی و توازن بالایی روبرو خواهیم بود که رضایت شهروندان از شهر خود را ایجاد و تعلق هویتی آنها به شهر را بالا می‌برد. برعکس نیز می‌توانیم با اشتباهاتی که در فضا-زمان‌ها و رابطه‌شان با هویت‌ها و با تقسیم کار اجتماعی می‌کنیم، تعلق و احساس هویت شهری را تضعیف و شهروندان را تا اوج رضایت از شهرشان پیش ببریم، به صورتی که هیچ هدفی جز گریز از شهر یا فرورفتن در حباب‌هایی که درون شهر ایجاد می‌کنند تا خود را از دیگران جدا کنند، برای خود نبینند.

*** فضاهای شهری تحت انقیاد ساختار، چگونه فضای جنسیتی را تولید می‌کنند؟**
فضاهای شهری، خود حاصل روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند. به این دلیل است که وقتی با جامعه‌های مدرسالار و زن‌ستیز روبرو هستیم، می‌بینیم که فضا-زمان‌هایی مردسالار و زن‌ستیز به وجود می‌آید. حال ممکن است این روند خود را در قالب موقعیت‌های «ناراحت‌کننده» و «تحمیل‌ناپذیر» برای زنان نشان دهد و یا در قالب موقعیت‌هایی که اصولاً «حضور زنان» را ناممکن کنند. چندان تفاوتی در اینجا وجود ندارد. شهرهای ما در حال حاضر شهرهایی به شدت مرد سالار و زن‌ستیز هستند، به صورتی که زنان در جامعه ایران اغلب

علیرضا براری: آنچه در پی می‌آید مصاحبه ما با ناصر فکوهی درباره فضای جنسیتی و شهر است. فکوهی در این مصاحبه به مسئله هویت و فضا پرداخت و زوایای موضوع تفكيك فضایی و جنسیتی را بررسی کرد.

*** در نظر شما تعریف شهر چیست و به چه موقعیت جغرافیایی ای با چه ساختار و امکانات و ایمن‌هایی می‌توانیم شهر بگوییم؟**

اگر در تعریفی که می‌خواهیم در اینجا عرضه کنیم خود را به «شهر مدرن» و نه «شهر باستانی» محدود کنیم (که حکایت و مباحث دیگری دارد) می‌توانیم کمابیش به نتیجه‌ای برسیم: در این تعریف شهر زیستگاهی است حاصل یکی از انقلاب‌های بزرگ فناوریانه انسان یعنی انقلاب صنعتی که شیوه معیشت اصلی انسان را از کشاورزی به صنعت تغییر داد. شهر زیستگاهی است با جمعیتی بسیار متراکم‌تر و بالاتر از زیستگاه‌های پیشین، یعنی روستاها که در آنها روابط از شکل جماعتی (یا از اجتماع) به شکل اجتماعی (یا به جامعه) تغییر می‌کنند؛ تقسیم کار جدیدی میان افراد برقرار می‌شود و روابط زمانی و مکانی آنها بر اساس بوروکراسی مدرن سیاسی که با انقلاب‌های سیاسی دموکراتیک به صورت هم‌زمان با انقلاب صنعتی به وقوع می‌پیوندد، تنظیم می‌شود.

*** در شهر چه کسی یا چیزی برای نوع هویت شهری تصمیم می‌گیرد؟**

هویت‌های شهری بیش و پیش از هر چیز حاصل همان انقلاب‌های صنعتی و سیاسی است که به آنها اشاره کردیم: انقلاب سیاسی، گروه‌های هویتی جدیدی را به وجود می‌آورد که نخبگان سیاسی و رهبران و تصمیم‌گیرندگان را در سلسله مراتب جدید، تعریف می‌کنند و انقلاب فناوریانه/اقتصادی، نیز همین کار را در عرصه مبادلات معیشتی انجام می‌دهد. و سرانجام گروه بزرگ و هر چه بیشتری از هویت‌ها نیز در فرایندهای زمانی و فضایی خاص شهر، در روزمرگی شهری، در سبک زندگی شهری و ... ظاهر می‌شوند. بدین ترتیب در شهر مدرن، ما به مجموعه‌های بسیار گسترده و بسیار پویایی